

بررسی تطبیقی روایت شهادت علی اکبر در منابع تاریخی و متون تعزیه*

علی محمد ولوی^۱

سحر و کیلی محترم^۲

چکیده

بُعد سوگوارانه واقعه کربلا، یکی از مهم‌ترین و ملموس‌ترین ابعاد این واقعه است و کیفیت حضور و نقش‌آفرینی برخی از نوجوانان حاضر در این رخداد، مانند «علی‌اکبر»، که بازخوانی روایت شهادت آنان در گذر زمان صور گوناگونی به خود دیده، از جمله آشکارترین جلوه‌های سرشت سوگوارانه آن بوده است. به عبارت دیگر، حضور پررنگ عنصر عاطفه در گزارش واقعه کربلا به ویژه در بخشی که به جوانان و نوجوانان مربوط می‌شود، انواعی متفاوت از این گزارش را پدید آورده است؛ به طوری که گاه شکافی عمیق میان واقعیت تاریخی رخداد و درک رایج توده مردم از آن دیده می‌شود. این مقاله با تمرکز بر واقعه شهادت «علی‌اکبر»، به مثابه یک مثال تاریخی، کوشیده است به توضیح و تبیین این مساله بپردازد. بر این اساس، گزارش واقعه مذکور در منابع تاریخی (تا قرن پنجم هجری) و متون تعزیه در سال‌های معاصر (حدود پنجاه سال گذشته)، با رویکردی تطبیقی بررسی شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که میان گزارش تاریخی و متون تعزیه، تفاوت‌هایی وجود دارد که می‌تواند به شناخت و درک عمومی نسبت به وقایعی از این دست یاری کند.

کلید واژه‌ها: تعزیه، عاشورا، کربلا، امام حسین(ع)، علی‌اکبر.

^۱ استاد تاریخ، دانشگاه الزهراء(س)

^۲ کارشناس ارشد تاریخ اسلام

a.v134@yahoo.com

vakili.m328@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۲/۹، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۶/۲۹

*این مقاله بدست سرکار خانم دکتر نگار ذیلابی ویراسته و آماده‌ی چاپ شده است

مقدمه

حضور و نقش گروه‌های مختلف سنی در واقعه کربلا، اهمیت خاصی به این واقعه بخشیده است؛ به گونه‌ای که برخی از افراد حاضر در آن، به دلیل شرایط سنی و نحوه‌ی شهادت، در کانون توجه منابع قرار گرفته‌اند. «علی‌اکبر» که در روز عاشورا به شهادت رسید، از این جمله است. گزارش واقعه‌ی شهادت علی‌اکبر در منابع متقدم سرشتی تاریخی دارد، اما به نظر می‌رسد در گزارش‌های متأخر، بُعد عاطفی آن غالب است. چنین تحولی، سرآغاز بروز آسیب‌هایی در اصالت روایت شهادت وی شده است. مولفان این آثار با نگاهی عاطفی و بیش‌تر از رهگذر بیان داستان‌ها و افسانه‌ها، اخباری را به واقعه شهادت علی‌اکبر افزوده‌اند که بسیاری از آنها مبنای تاریخی ندارد؛ با وجود این، سروده‌ها و نمایش‌های زیادی در تعزیه بر مبنای این آثار ساخته شده که تاکنون از منظر نقد تاریخی مورد بررسی قرار نگرفته است.

نقل مجالس تعزیه از این واقعه تاریخی، با قصه و اسطوره در آمیخته است چنان که اگر کسی از واقعیت تاریخی شهادت علی‌اکبر آگاهی نداشته باشد، تمایز میان تاریخ و افسانه یا اسطوره برای او دشوار خواهد بود. در این مقاله اخبار و گزارش‌های مربوط به شهادت علی‌اکبر در منابع تاریخی منتهی به قرن پنجم هجری، با تصویری که در تعزیه‌های سال‌های معاصر ارائه شده، مقایسه و تحلیل شده است.

علی بن حسین (ع) در منابع تاریخی

روایت منابع در خصوص تاریخ تولد، سن و ازدواج علی بن حسین، شهید کربلا، متفاوت و گاهی متناقض است. به نقل از برخی منابع، حسین بن علی(ع)، دو پسر به نام علی^{*} داشت که به علی‌اکبر و علی‌اصغر، معروف بودند.^۱ با استناد به گزارش برخی دیگر از منابع، در بین پسران وی، سه نفر به نام‌های علی‌اکبر، علی اوسط و علی‌اصغر بودند.^۲ درباره این‌که علی بن حسین، شهید کربلا و حضرت سجاد(ع)، کدام‌یک از این سه تن بوده‌اند، سه نظر وجود دارد:
الف. حضرت سجاد(ع)، علی‌اصغر و علی بن حسین، شهید کربلا، علی‌اکبر بوده است؛^۳

* از حسین بن علی(ع) نقل شده است که فرموده بود «گر صد پسر هم برای من متولد شود، دوست دارم همه را علی نام‌گذاری کنم و حتی حاضر نیستم یکی از آنها را جز علی به اسم دیگری بنامم.» (شهیداول، ۵/ ۴۴۳).

^۱ . شیخ مفید، ۲/ ۲۵۳؛ طبرسی، ۲/ ۲۵۰.

^۲ . اربلی، ۱/ ۵۸۱.

^۳ . ابن سعد، ۵/ ۵۳؛ زبیری، ۵۷؛ قاضی نعمان، ۳/ ۱۵۴.

ب. عکس نظر اول، یعنی این که حضرت سجاد(ع)، علی اکبر و شهید کربلا، علی اصغر بوده است؛^۱

ج. شهید کربلا، علی اکبر، حضرت سجاد(ع)، علی اوسط و فرزند خردسال امام حسین(ع)، علی اصغر بوده است.^۲

به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که موجب شده در خصوص لقب علی بن حسین، شهید کربلا و حضرت سجاد(ع) نظرات متفاوتی ارائه شود، معین نبودن تاریخ دقیق تولد ایشان است. سن علی بن حسین، شهید کربلا، در منابع به اشکال مختلف از جمله ۱۰ سال و اندی،^۳ ۱۸،^۴ ۱۹،^۵ ۲۵ و ۲۸ سال آمده است. البته بعضی مورخان، بدون ذکر سال مشخصی یادآور شده‌اند شده‌اند که علی بن حسین، فرزند لیلا، دختر ابو مرثد بن عروه بن مسعود ثقفی در دوره خلافت عثمان متولد شده است.^۸

با وجود تفاوت‌های یادشده، اظهار نظر قطعی درباره تاریخ دقیق تولد و سن علی بن حسین، شهید کربلا تا حدودی مشکل است. با این حال، به مدد قرائن می‌توان به‌طور تقریبی حدس زد که وی در چه سالی به دنیا آمده و به هنگام شهادت در روز عاشورا چند سال داشته است. نقل

^۱ . شیخ مفید، ۲۵۳؛ طبرسی، ۴۶۴.

^۲ . در مناقب ابن شهر آشوب، مطالب متناقضی در این زمینه آمده که ناشی از ناسخان و محرران است. همین اختلاف موجب شده که نمی‌توان در این زمینه به کتاب مذکور اعتماد کرد. وی ذیل فرزندان حسین بن علی(ع)، فرزند شهید ایشان در کربلا را علی اکبر معرفی کرده و حضرت سجاد(ع) را علی اوسط دانسته است. اما در گزارش از احوال حضرت سجاد(ع)، علی مقتول را به عنوان علی اصغر آورده و به نقل از کتاب بدع و شرح الاخبار نوشته: دودمان حسین(ع) از علی اکبر بوده و اوست که پس از پدر زنده ماند و آن که کشته شد، علی اصغر بود (ابن شهر آشوب، ۷۴/۴). قاضی نعمان و هارونی در ذکر اولاد حسین بن علی (ع) دو نظر الف و ب را با هم آورده‌اند، ولی توضیح نداده‌اند که کدام نظر صحیح است. قاضی نعمان، ۱۵۴/۳؛ هارونی، ۴۳.

^۳ . طبرسی، ۴۶۴/۱؛ حنبلی، ۶۸.

^۴ . ابن اعثم کوفی، ۱۱۴/۵؛ ابوالموید خوارزمی، ۳۴/۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۰۹/۴.

^۵ . شیخ مفید، ۲۳۸.

^۶ - ابن شهر آشوب، ۱۰۹/۴.

^۷ . ابن فندق بیهقی، ۳۹۷/۲.

^۸ . ابوالفرج، ۷۸؛ ابن ادريس، ۹۱. ابن ادريس ضمن بررسی روایات و نظرات مختلف، معتقد است که علی بن حسین، شهید کربلا، علی اکبر بوده است.

برخی منابع حاکی از آن است که حضرت سجاد(ع) در سال ۳۸ هجری به دنیا آمده و در عاشورای سال ۶۱ هجری ۲۳ سال داشته است.^۱ از طرف دیگر، اکثر منابع آورده‌اند که آن علی بن حسین که مادرش، لیلا، دختر ابو مُرّة بود و توسط مُرّة بن منقذ عبدی به شهادت رسید، علی اکبر بوده است.^۲ صحت این ادعا را از بیان حضرت سجاد (ع) در مجلس یزید بن معاویه یا عبیدالله بن زیاد (بنا بر اختلافی که در متون دیده می‌شود) می‌توان دریافت، زیرا وقتی که یزید یا ابن زیاد از حضرت سجاد نامش را پرسید، او در پاسخ «علی بن حسین» را بر زبان آورد. فرد مذکور پرسید: «مگر خدا، علی بن حسین را نکشت.» و حضرت سجاد پاسخ داد: «من، برادری بزرگتر از خود داشتم و شما او را کشتید.»^۳

با توجه به شواهد فوق چنین استنباط می‌شود که علی بن حسین، شهید کربلا، از حضرت سجاد (ع) بزرگتر بوده و بیش از ۲۳ سال داشته است؛ بنابراین، بایستی قبل از سال ۳۸ هجری به دنیا آمده باشد. بر این اساس، این احتمال که وی در زمان خلافت عثمان به دنیا آمده باشد، تقویت می‌شود. با این فرض که علی بن حسین، شهید کربلا، در سال آخر خلافت عثمان متولد شده باشد نیز نمی‌توان سنّی کمتر از ۲۵ سال را برای او در نظر گرفت. بسیاری از منابع معاصر نیز بر این نکته تصریح کرده‌اند. مقررّم با بررسی نظرات گوناگون در خصوص لقب علی اکبر به این نتیجه رسیده است که علی بن حسین، شهید کربلا، همان علی اکبر بوده و در زمان شهادت ۲۷ سال داشته است.^۴ سید محسن امین به نقل از منابع متعدد، علی بن حسین، حسین، شهید کربلا را علی اکبر دانسته و سن‌های ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۵ سال را برای او ذکر کرده است.^۵

با این حال، شیخ مفید و شیخ طوسی، حضرت سجاد(ع) را علی اکبر و شهید کربلا را علی اصغر دانسته‌اند؛ با ذکر این نکته که شیخ مفید در نقل سخن حضرت سجاد (ع) در مجلس ابن زیاد، فقط به این قسمت از سخن حضرت سجاد (ع) اکتفا کرده که «من، برادری به نام علی داشتم و مردم او را کشتند» و این مطلب را که او از حضرت سجاد (ع) بزرگ‌تر بوده، نقل نکرده است.^۶

^۱ . زبیری، ۵۳.

^۲ . کوفی اسدی، ۱۵۰؛ ابن سعد، ۵۳؛ زبیری، ۵۷؛ بلاذری، انساب، ۴۹۷/۲؛ همو، جمل، ۴۰۶/۳؛ یعقوبی، ۱۶۰/۲؛ دینوری، ۲۵۶؛ مسعودی، ۶۱/۳؛ ابوالفرج، ۷۷؛ طبرانی، ۳۸؛ قاضی نعمان، ۱۵۲/۳.

^۳ . زبیری، ۵۳/۲؛ ابوالفرج، ۱۱۲.

^۴ . مقررّم، مقتل الحسین، ۲۲۶، همو، مقتل مقررّم، ۲۶.

^۵ . سید محسن امین، اعیان، ۴۳۲/۱؛ همو، لواعج، ۱۵۰.

^۶ . شیخ مفید، ۲۴۳ و ۲۵۳؛ طبرسی، ۴۶۵/۳.

هر چند، روایاتی که بنابر آنها علی بن حسین، شهید کربلا، علی اکبر بوده است، چندین برابر روایاتی است که فاقد این مطلب اند، در لابه‌لای نظرات برخی از منابع، استدلال‌هایی وجود دارد که شاید موید نظر شیخ مفید و شیخ طوسی باشد. شیخ عباس قمی این بحث را مطرح کرده که علی اکبر همان شهید در کربلا بوده و ۲۵ سال داشته است، اما تاریخ ازدواج شاه‌زنان، مادر حضرت سجاد (ع) با حسین بن علی و مقام امامت حضرت سجاد(ع) حاکی از آن است که ایشان از علی اکبر، شهید کربلا، بزرگتر بوده و لقب «اکبر» که به علی شهید اختصاص یافته از آن جهت است که مادرش از خانواده‌های بزرگ عرب بوده و بنابر عرف، این موضوع را درباره او شهرت داده‌اند.^۱ باید افزود که مامقانی نیز از علی اکبر به عنوان «علی بن الحسین الاصر» نام برده است در حالی که تولدش را در دوره خلافت عثمان می‌داند.^۲

توجه به نکات دیگری مثل سن حسین بن علی(ع) نیز در تشخیص سن علی شهید، مفید به نظر می‌رسد. آن حضرت در سال ۳۸ هجری (زمان تولد حضرت سجاد(ع)) حدود ۳۵ سال داشته‌اند. با در نظر گرفتن سن رایج ازدواج در جزیره‌العرب بسیار بعید است که امام (ع) تا ۳۲ یا ۳۳ سالگی ازدواج نکرده یا صاحب فرزند نشده باشد. گزارش معتبر و مستندی نیز مبنی بر این که طی این مدت (از ۲۰ تا ۳۵ سالگی) وی فرزندی داشته که از دنیا رفته، وجود ندارد؛ بنابراین می‌توان پذیرفت که علی اکبر بزرگتر از حضرت سجاد(ع) بوده و احتمالاً ۲۸ سال داشته است.

ازدواج علی بن حسین

یکی دیگر از مسائلی که درباره زندگی علی شهید کربلا، مطرح می‌شود، مسأله ازدواج و فرزند دار بودن او است که مبهم است.^۳ طبق نظر کسانی که معتقدند آن علی بن حسین که در کربلا به شهادت رسید، همان علی اکبر بوده که در زمان خلافت عثمان به دنیا آمده بوده، سن وی در روز عاشورا بایستی بیش از ۲۵ سال بوده باشد و اگر این مطلب به اثبات برسد، شاید بتواند قرینه‌ای بر ادعای دوم، یعنی همسر و فرزند داشتن آن حضرت، نیز باشد.

از دیگر شواهدی که در تایید این مدعا می‌توان مطرح کرد، زیارت حضرت علی اکبر است که توسط ابوحمزه ثمالی از حضرت صادق (ع)، نقل شده و در این زیارت به اهل بیت و فرزندان علی اکبر و کنیه‌اش «ابوالحسن» اشاره شده است.^۴ دیگری، روایت احمد بن نصر بزنطی است که

^۱ . شیخ عباس قمی، ۲۸۱ و ۲۸۲.

^۲ . مامقانی نجفی، ۲۸۱ / ۲۱ و ۲۸۲.

^۳ . تستری، ۴۲۲.

^۴ . ابن قولویه، ۲۳۹.

که کلینی نقل کرده است.^۱ باید گفت که در برخی از منابع متقدم نیز به کنیه «ابوالحسن» برای علی شهید اشاره شده است.^۲ شیخ عباس قمی و مقرر با استناد به موارد فوق، معتقدند که علی اکبر ازدواج کرده و دارای فرزند بوده است.^۳ لفظ «ابناء» در روایات فوق حاکی از آن است که علی اکبر بیش از یک فرزند داشته و تشکیل خانواده داده بوده است؛ در غیر این صورت استعمال این لفظ صحیح نبود. همچنین عنوان ام ولد در روایت بزنطی نیز گواه آن است که همسر علی اکبر، کنیزی بود که برایش فرزند آورده است؛ زیرا عنوان «امولد» به کنیزی اطلاق می‌شود که از مولای خود صاحب فرزندی شده باشد.^۴

در مقابل برخی از مورخان و دانشمندان علم رجال این احتمال را مطرح کرده اند که ظاهراً نسلی از علی اکبر باقی نمانده است. به نقل از ابن سعد و یعقوبی، یکی از فرزندان حسین بن علی (ع) که در کربلا شهید شد، علی اکبر بود و نسلی از او باقی نماند.^۵ ابن شهر آشوب اجماع مورخان و نسب‌شناسان و دانشمندان رجال را بر این دانسته است که از علی اکبر هیچ نسلی باقی نماند و نسل حسین بن علی (ع) از پسرش، زین العابدین و دو دخترش، سکینه و فاطمه باقی مانده است.^۶ بر این اساس می‌توان گفت که استعمال کنیه برای تفأل زدن به فرزند نیک و خوش‌یمن بوده است. روایتی از حضرت باقر (ع) این احتمال را تقویت می‌کند: «ما برای فرزندانمان در دوران صباوت، کنیه مشخص می‌کنیم، زیرا بیم آن داریم که در سنین بالاتر باکنیه‌های ناخوشایند خوانده شوند».^۷ شاید بنا بر همین سنت، حسین بن علی (ع) نیز کنیه ابوالحسن را که کنیه پدرش بود برای فرزندش، علی بن حسین (علی اکبر) برگزیده باشد.^۸

^۱ . به نوشته کلینی، وی از حضرت رضا (ع) پرسیده بود «مردی، زنی را تزویج می‌کند، امولد پدر آن زن را هم می‌تواند، تزویج کند؟» حضرت در پاسخ فرموده بود: باکی ندارد. آن گاه بزنطی افزوده بود «از پدرت ما را حدیث کردند به این که زین العابدین (ع)، فاطمه، دختر حسن (ع) را تزویج کرد و امولد حسن (ع) را گرفت». حضرت فرمود: مطلب چنین نیست. زین العابدین، دختر حسن (ع) را تزویج کرد و برادرش، علی بن حسین، شهید کربلا، امولد را به عقد ازدواج خود درآورد. «فروع، ۵ / ۳۶۱».

^۲ . زبیری، ۵۸؛ ابوالفرج، ۷۷.

^۳ . شیخ عباس قمی، ۲۸۳ و مقرر، زندگانی، ۱۴.

^۴ . گلی زواره، «حضرت علی اکبر»، ۵۲.

^۵ . ابن سعد، ۵۳؛ یعقوبی، ۱۶۰/۲؛ عمری النسابة، ۹۱.

^۶ . ابن شهر آشوب، ۱۰۹ / ۴.

^۷ . «روضه المتقین»، به نقل از گلی زواره، ۵۳.

^۸ . گرچه اسباط مدعای ازدواج علی اکبر و انتساب فرزندی به وی برپایه منابع معتبر تاریخی دشوار است، اما طرح آن در مقاله به سبب بازتاب این روایات ضرورت یافته است.

علی بن حسین قبل از واقعه عاشورا

منابعی که به زندگی علی بن حسین پرداخته‌اند، گزارش زندگی وی را ضمن وقایع سال ۶۱ هجری و واقعه عاشورا بیان کرده‌اند و اطلاع چندانی از حیات وی قبل از این زمان ارائه نمی‌کنند. سه روایت موجود در *مقاتل‌الطالبیین* اطلاعات بیش تری راجع به زندگانی وی قبل از واقعه عاشورا به دست می‌دهد. طبق یکی از این روایات، برخی از خصوصیات علی بن حسین (علی اکبر) از زبان معاویه چنین بیان شده است: شایسته‌ترین افراد برای امر خلافت، علی اکبر، فرزند حسین است که جدش، رسول خدا بوده و شجاعت بنی هاشم، سخاوت بنی امیه و زیبایی قبیله ثقیف را در خود جمع کرده است.^۱ در روایت بعدی، علی بن حسین، شخصی لایق، عزیز و گرامی، مهمان دوست، فقیر و غریب‌نواز، توصیف شده است که شاعران عرب به مدح او پرداخته‌اند. در توصیف این وجه از شخصیت ممتاز ایشان به عنوان یکی از جوانمردان و سخاوت‌مندان، اشعار زیبایی در *مقاتل‌الطالبیین* درج شده است.^۲

روایت دیگر ابوالفرج، حاکی از آن است که علی شهید از جدش، علی بن ابی طالب و عایشه حدیث نقل می‌کرده است^۳ گزارش های بعدی از همراهی وی با امام حسین (ع) از مکه تا کربلا خبر داده‌اند. این مدعا از روایتی در باب گفتگوی او با امام حسین (ع) به هنگام حرکت از منزل قصر بنی‌مقاتل به خوبی پیداست. عُقبه بن سمعان، غلام رباب، همسر حسین بن علی (ع)، نقل می‌کند:

«پس از استراحت در منزل قصر بنی‌مقاتل، راه افتادیم، در حال حرکت و سوار بر اسب، خوابی کوتاه امام حسین (ع) را فرا گرفت و زمانی که بیدار شد، فرمود: «آنا لله و آنا الیه راجعون و الحمد لله رب العالمین». علی اکبر علت را از پدر سوال کرد. امام حسین (ع) فرمود: در خواب، سواری در نظرم ظاهر شد که می‌گفت: مرگ، این گروه شیرو را همراهی می‌کند، فهمیدم که منظور او ما هستیم و به سوی مرگ می‌رویم. علی اکبر از پدر پرسید: آیا ما بر حق نیستیم. امام (ع) فرمود: به خدا سوگند، ما جز در راه حق گام بر نمی‌داریم. علی اکبر گفت: حال که چنین است ما از مرگ در راه حق باکی نداریم.» امام حسین (ع) پس از شنیدن سخن پر از شور و عشق و دیدن اشتیاق فرزندش نسبت به مرگ در راه حق، وی را چنین دعا فرمود: "خداوند، بهترین پاداش فرزندی را به تو عنایت فرماید."^۴

^۱. ابوالفرج، ۷۸.

^۲. همان‌جا.

^۳. همان‌جا.

^۴. ابومخنف، وقعه، ۱۷۷ و ۱۷۶؛ همو، نصوص، ۱ / ۴۴۵؛ طبری، ۵ / ۴۰۸؛ ابوالفرج، ۱۱۲.

علی بن حسین در روز عاشورا

علی اکبر در شب عاشورا نیز وقتی امام حسین(ع) از یاران و همراهانش خواست که وی را تنها گذاشته و با استفاده از تاریکی شب پراکنده شوند، هم‌صدا با دیگر بنی‌هاشم، آمادگی خود را در دفاع از پدر اعلام کرد^۱، اکثر منابع، متفق‌القولند که وی نخستین شهید بنی‌هاشم بوده است^۲. نحوه مبارزه و شهادت وی در منابع، متفاوت گزارش شده است. به نقل از ابومخنف و تاریخ طبری، علی اکبر در روز عاشورا روانه میدان جنگ شد و ضمن خواندن این رجز بر سپاه دشمن تاخت:

«انا علی بن الحسین بن علی
نحن و بیت الله اولی بالتّبی
بالله لایحکم فینا ابن الدّعی»

(من علی پسر حسین بن علی هستم، سوگند به خانه خدا که ما به پیغمبر نزدیکتریم. قسم به خدا نباید پسر زیاد بی تبار درباره ما حکم کند).

وی چند بار به دشمن یورش برد. مُرّة بن مُنقذ بن نعمان عبدی او را دید و گفت: «گناه همه عرب بر گردن من، اگر بار دیگر بگذرد و این‌گونه حمله کند و من، پدرش را به سوگ او نشانم.» علی اکبر همچنان با شمشیر به دشمن می‌تاخت، مُرّة در میان راه او کمین کرد و به ناگاه بر او درآمد و او را هدف نیزه خود قرار داد که بر اثر آن از بالای اسب بر زمین افتاد و لشکر اطرافش را گرفتند و پیکرش را قطعه قطعه کردند. در این موقع، بانویی شتابان از خیمه بیرون آمد و فریاد می‌زد «ای برادرم! ای فرزند برادرم!» حسین(ع) آمد و خواهرش زینب را گرفت و به خیمه‌اش برگرداند و به جوانان هاشمی رو کرد و فرمود: «برادرتان را بردارید.» سپس جسد علی اکبر را از خاک برداشتند و به طرف خیمه‌ها حمل کردند و در پیش روی خیمه‌ای که در برابر آن می‌جنگیدند، بر زمین گذاشتند.^۳

اما ابن سعد در روایتی بسیار فشرده، کیفیت مبارزه و شهادت علی اکبر را چنین نقل کرده است که مردی از قبیله عبدالقیس به نام مُرّة بن منقذ بن نعمان به علی اکبر حمله کرد و بر او نیزه زد، بدن زخمی او را نزد حسین(ع) بردند، حسین(ع) با بدن علی اکبر گفتگو می‌کرد^۴.

^۱ . ابومخنف، وقعة، ۱۹۸؛ شیخ مفید، ۲۳۸.

^۲ . ابومخنف، وقعة، ۱۹۸؛ بلاذری، انساب، ۲/۴۹۷؛ دینوری، ۴۵۶؛ طبرسی، ۴۴۶؛ شیخ مفید، ۲۳۸.

^۳ . ابومخنف، وقعة، ص ۲۴۳؛ طبری، ۴۴۶.

^۴ . ابن سعد، ۱۰۲/۵. قی ۴

حتی ابن سعد نیز واقعه شهادت علی اکبر را در قالب تاریخی صرف، بیان نکرده است، زیرا وی به جای گزارش کیفیت کشته شدن علی اکبر، از بدن زخمی علی اکبر و چند و چون گفتگوی حسین بن علی (ع) با او سخن می گوید. بنابراین به مدد چنین روایتی نمی توان به درک تصویر دقیقی از شهادت علی اکبر دست یافت.

روایت دینوری در چهارچوب کلی با آنچه ابومخنف و طبری روایت کرده اند، مطابقت دارد، زیرا بر اساس روایت وی، وقتی همه اصحاب حسین (ع) کشته شدند و غیر از اهل بیت اش کسی باقی نماند، نخستین کس از ایشان که به میدان رفت و جنگ کرد و شهید شد، علی بن حسین بود. مُرّة بن منقذ عبدی بر او نیزه زد و او را بر زمین انداخت و سپس شمشیرها او را فرو گرفت و شهید شد.^۱ البته تأکید دینوری بر پیشگام بودن علی اکبر و همچنین حملات مکرر به دشمن، بیانگر تصویر فردی شجاع با عزمی راسخ است که در راه عقیده خود تا آخرین لحظات می جنگد و سرانجام به طرز فجیعی به شهادت می رسد.

بنابر روایت زبیری، مردی از اهل عراق، «علی بن حسین الاکبر» را به امان فرا خواند و گفت: «تو با امیرالمومنین یعنی یزید بن معاویه خویشاوندی^۲ و ما قصد داریم این خویشاوندی را پاس داریم، اگر بخواهی به تو امان می دهیم؛ ولی علی اکبر گفت: خویشاوندی با رسول خدا، سزاوار رعایت است. سپس حمله کرد؛ در حالی که می گفت: من، علی، پسر حسینم، سوگند به خانه خدا ما به پیغمبر سزوارتریم از شمر و شیبث و ابن دعی. مُرّة بن نعمان بر او حمله کرد و با ضربت نیزه به او زد. پدرش، او را در آغوش کشید تا اینکه در گذشت. حسین (ع) فرمود: پس از تو خاک بر سر دنیا.»^۳ روایت زبیری از شهادت علی اکبر گرچه غرض ورزانه است، اما این حقیقت را در ذهن تداعی می کند که علی اکبر، فردی بی باک، دلیر و باورمند به آرمان خویش است.

ابن اعثم کوفی،^۴ متفاوت با منابع فوق الذکر، کیفیت مبارزه و شهادت علی اکبر را چنین نقل کرده است که پس از شهادت عباس بن علی، علی بن حسین به میدان رفت. حسین (ع) با دیدن او، سر به آسمان بلند کرد و فرمود: «پروردگارا، بر این مردم گواه باش، جوانی در برابرشان قرار گرفت که خلق و خوی و گفتارش از همه مردم به رسول خدا شبیه تر است.» پس از گفتن

^۱ . دینوری، ۲۵۶.

^۲ . مقصود خویشاوندی از طریق میمونه، دختر ابی سفیان بن حرب است. میمونه، مادر لیلا، دختر ابو مرّه بن عروه بن مسعود ثقفی است. (رک. ابن زبیر، ۱۵۰؛ طبرسی، ۴۶۸؛ هارونی، ۴۳).

^۳ . زبیری، ۵۷ / ۲.

^۴ . ابن اعثم کوفی، ۹۰۷.

جملاتی دیگر، حسین (ع) خطاب به عمر بن سعد فریاد برآورد: «خداوند، نسل تو را قطع کند و به کار تو برکت نهد و کسی را پس از من بر تو مسلط گرداند که در بستر سر از تنت جدا کند، همان‌گونه که تو نسل مرا قطع کردی و خویشاوندی مرا با رسول خدا مراعات نکردی.» بعد از این سخنان و قرائت آیه‌ای^۱ از قرآن، علی اکبر حمله کرد و آن قدر جنگید و از سپاه کشت که شامیان از دست او به فریاد آمدند. آن گاه با زخم های بسیار و در حالی که عطش بر او چیره شده بود نزد پدر بازگشت و گفت: ای پدر، از تشنگی هلاک شدم، شربت آبی هست که به من دهید تا روی به این جماعت فاسق و فاجر آورم و دمار از ایشان برآرم؟

حسین (ع) بگریست و گفت: ای جان پدر، احوال بر تو پوشیده نیست. صبر کن که همین ساعت از دست جدّ خویش سیراب خواهی شو. علی بن حسین بازگشت و با لب تشنه به جنگ روی آورد و می کشت تا شهید شد.^۲

روایت ابن اعثم با اینکه دقیق و قابل توجه به نظر می آید؛ ولی جز بخش‌هایی از آن، در منابع دیگر، نیامده است. ابن اعثم با نسبت دادن نفرین‌های سوزناک به حسین بن علی (ع) و تأکید بسیار بر تشنگی علی اکبر، برجسته عاطفی واقعه تاکید بیشتری کرده است.

اما آنچه قاضی نعمان از کیفیت مبارزه و شهادت علی اکبر نقل کرده، گزارشی توصیفی برگرفته از روایت زبیری، ابن اعثم کوفی و توصیف خود قاضی نعمان از این واقعه است: «به علی بن حسین گفتند، اگر خویشاوند امیرالمومنین یعنی یزید ملعون هستی ما به تو امان می‌دهیم و هر جایی می‌خواهی برو»، علی گفت: «خویشاوندی با رسول خدا، سزاوار رعایت است.» سپس به آنها حمله کرد، میانشان جنگ در گرفت و علی بن حسین، پیوسته می‌جنگید و در حالی که سوار بر اسب بود، حمله می‌کرد و از آنها می‌کشت، سپس نزد پدر بازگشت و گفت: ای پدر! العطش، پس حسین گفت: ای حبیبم! صبر کن به زودی جدت، رسول الله تو را سیراب می‌کند. پس دوباره به آنها حمله برد و می‌کشت تا اینکه تیری به حلقش اصابت کرد. گفته اند مرّه بن منفذ بن نعمان بر او نیزه زد؛ پس حسین او را در آغوش گرفت، در آن حال علی می‌گفت ای پدر! این، رسول خداست که به من می‌گوید: در آمدن به سوی ما تعجیل کن؛ حسین همچنان که او را در آغوش داشت جان داد، و حسین گفت: ای فرزندم بعد از تو خاک بر سردنیا.^۳

^۱ . " خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر عالمیان برگزید، نسلی که از یکدیگرند و خداوند شنوا و داناست." آل عمران، آیه ۳۳ و ۳۴.

^۲ . ابن اعثم کوفی، ۹۰۷.

^۳ . قاضی نعمان، ۳/ ۱۵۲ و ۱۵۳.

در این گزارش رویکرد عاطفی از شدت بالایی برخوردار است. احتمالاً قاضی نعمان، مطلب خود را با توجه به اطلاعات مشهور و عقاید خود تشریح کرده است. البته بر خلاف اکثر منابع که قاطعانه قاتل علی اکبر را مُرّة بن منقذ دانسته‌اند، قاضی نعمان در این زمینه با تردید سخن گفته است.

ابوالفرج اصفهانی که متأخر بر قاضی نعمان بوده، در قالب دو روایت شهادت علی اکبر را گزارش کرده است. گزارش اول بسیار شبیه روایت ابومخنف است. وی در روایت دوم آورده است: هنگامی که علی بن حسین به میدان رفت، اشک از دیدگان حسین (ع) سرازیر شد و گریست و به دنبال آن گفت: خدایا! تو بر این مردم گواهی که جوانی به سوی آنان بیرون رفت که شبیه‌ترین مردم بود به رسول خدا. و علی اکبر بر آنها حمله افکند سپس نزد پدرش بازگشت و گفت: ای پدرم العطش، امام (ع) فرمود: ای حبیب دلم، شکبیا باش که روز را شام نکنی جز اینکه رسول خدا، تو را با جام خود سیراب کند. علی بن حسین حمله‌های پی در پی می برد تا اینکه تیری بر گلویش نشست و آن را بشکافت و او در خون غلطید؛ پس فریاد زد: پدر جان سلام بر تو، هم‌اکنون جدم، رسول خدا پیش من است و بر تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: در آمدن نزد ما شتاب کن. این سخن را گفت و سپس ناله ای سر داد و از دنیا رفت.^۱

از بررسی دو روایت ابوالفرج، چنین استنباط می‌شود که روایت نخست وی در چهارچوب، همان روایت ابومخنف و طبری است و واجد همان خصوصیات، با این تفاوت که ابوالفرج، مواردی از جمله عکس‌العمل حضرت زینب(س) نسبت به شهادت علی اکبر را به لحاظ عاطفی غنی ساخته است. روایت دوم ابوالفرج، تلفیقی از روایت ابن اعثم کوفی و قاضی نعمان است و بنابراین، توضیحات مربوط به آن دو، در این مورد نیز صدق می‌کند.

از منابع متأخر، شیخ مفید واقعه شهادت علی اکبر را چنین نقل کرده است: پس از شهادت یاران حسین(ع) فرزندش، علی بن حسین که زیباترین مردم آن زمان بود، پیش آمد و چندین بار حمله کرد، اما مردم کوفه از کشتن او خودداری می‌کردند. مُرّة بن منقذ عبدی می‌گفت: «گناه عرب به گردن من باشد، اگر این جوان بر من بگذرد و چنین حمله کند و من داغ مرگش را به دل پدرش ننهیم.» پس همچنان که حمله می‌کرد، مُرّة بن منقذ او را با نیزه بر زمین افکند و گروهی با شمشیرهای خود بدنش را پاره پاره کردند. حسین (ع) شتابان بالای سرش آمد و فرمود: «خدا بکشد، مردمی که تو را کشتند، ای پسر! چه بسیار این مردم، بر خدا و بر دریدن حرمت رسول خدا بی‌باک گشته‌اند و اشک از دیدگان حق‌بینش سرازیر شد.» سپس

^۱. ابوالفرج، ۱۱۵ و ۱۱۶.

فرمود: «پس از تو خاک بر سر دنیا». در این حال زینب، خواهر حسین (ع) از خیمه بیرون دوید و فریاد می‌زد: «ای برادرم و ای فرزند برادرم!» و شتابان آمد تا خود را بر روی وی انداخت. حسین (ع)، خواهر را بلند کرد و او را به خیمه بازگرداند و به جوانان فرمود: «برادران را بردارید. پس جوانان آمده او را برداشتند تا جلوی خیمه‌ای که مقابل آن جنگ می‌کردند، به زمین نهدند.»^۱

از روایت شیخ مفید به خوبی روشن می‌شود که چهارچوب اصلی روایت وی، همان نقل ابومخنف و طبری است که شیخ مفید با افزودن مطالبی از جمله گریستن حسین بن علی (ع) بر جنازه علی اکبر و بی‌تابی حضرت زینب (س) از شهادت برادرزاده، جنبه عاطفی واقعه را بالا برده است. با وجود این، غلبه با رویکرد تاریخی است و تصویری روشن و منطقی از علی اکبر در روز عاشورا ارائه داده است. اما روایت شیخ صدوق در واقع خلاصه‌ای از گزارش ابن اعثم کوفی است؛ زیرا او می‌نویسد: پس از عبدالله بن مسلم، علی بن حسین به میدان رفت و هنگامی که به سوی دشمن می‌رفت اشک از چشمان حسین (ع) روان شد و گفت: «خدایا! تو گواهی که زاده رسولت که در چهره و سیما ماندندترین مردم به رسول است، به جنگ آنها رفت» او شروع به رجز کرد و ده تن را کشت و نزد پدر بازگشت و گفت پدرجان! تشنه‌ام، حسین (ع) فرمود: شکیبای باش پسر، جدت تو را سیراب خواهد کرد. پس برگشت و جنگید و چهل و چهار تن از آنها را کشت تا شهید شد.^۲

در این روایت، علاوه بر این که نحوه شهادت علی اکبر کاملاً عاطفی نقل شده، از تعداد کشتگان به دست علی اکبر نیز با اغراق یاد شده است. تا قرن چهارم هجری در هیچ یک از منابع واقعه عاشورا از این آمار و ارقام خبری نیست، اما از قرن چهارم به بعد در روایت شیخ صدوق و برخی منابع پس از وی، تعداد افراد کشته شده به دست جوانان اهل بیت با اغراق گزارش شده است. برخلاف سایر منابع که علی اکبر را نخستین شهید بنی هاشم دانسته‌اند، شیخ صدوق، شهادت علی اکبر را بعد از عبدالله بن مسلم دانسته است.

^۱. شیخ مفید، ۲۳۹.

* این عبارت تنها در الارشاد آمده است. علت پرهیز مردم از کشتن علی اکبر یا به آن دلیل بوده که وی از طرف مادر نسبت به بنی امیه می‌رساند و احتمالاً مردم کوفه مراعات یزید را می‌کردند چنانکه در بالا بدان اشاره شد. یا به این دلیل بوده، که علی اکبر، شبیه‌ترین مردم به رسول خدا بود و مردم او را سمبل وجود پیامبر می‌دیدند و از این رو شرم می‌کردند او را بکشند. (اظهار نظر اخیر با توجه به روایت ابن اعثم کوفی است که قبلاً بیان شد).

^۲. شیخ صدوق، ۱۳۸.

علی بن حسین در متون تعزیه

«تعزیه» از ریشه «عزا» و به معنی «صبر بر آنچه از دست رفته»^۱ در فرهنگ های لغت فارسی، تعزیه هم به معنای سوگواری، عزاداری و تسلیت گفتن به عزادار آمده^۲ و هم به معنی گونه ای نمایش مذهبی (شبییه خوانی) که به یاد حادثه عاشورا و زندگی سایر ائمه اجرا می-شود.^۳ چلکوفسکی تعزیه را به معنی عزاداری، بیان همدردی و دلداری در نمایش های احساسی شیعه و به مثابه تنها گونه جدی نمایش در جهان اسلام معرفی کرده است.^۴

تعزیه به عنوان «نمایش منظوم واقعه کربلا» که ریشه در حوادث تاریخی دارد، باید بتواند متناسب با طبع و ذوق عوام، وقایع تاریخی را بیان کند. گزاره های تاریخی مندرج در متون تعزیه نیز باید با متون و منابع تاریخی مطابقت داشته باشد. بر همین اساس، در ادامه به بررسی شهادت علی اکبر در متون تعزیه می پردازیم تا معلوم شود کیفیت حضور و شهادت وی در روز عاشورا در این متون تا چه حد با واقعیت های مندرج در متون تاریخی انطباق دارد. برای پی بردن به میزان این انطباق، جداولی تنظیم شده که از مقایسه آنها می توان فهمید، این انطباق کامل است؟ نسبی است؟ و یا اصولاً انطباق ندارد.

باید متذکر شد که مبنای گزینش «مجالس» مورد بررسی در این پژوهش، نسخه های چاپ شده تعزیه بوده است، با وجود این، برای اینکه موارد بیشتری بررسی گردد از متون دیگری در تعزیه نیز استفاده شده که حاصل مصاحبه با تعزیه خوانان و مطالعه نسخ اخذ شده از آنها بوده است. نیز باید افزود که مجالس تعزیه زیادی در مورد حضرت علی اکبر وجود دارد که محتوای آنها تقریباً یکسان است، ولی از نظر کوتاه یا بلند بودن مجلس با هم متفاوت اند.

جدول - ۱

منبع تعزیه	فهرست افراد تعزیه	گزاره	انطباق کامل	انطباق نسبی	عدم انطباق
قاسم دخت ^۵	امام حسین در شب عاشورا به علی اکبر	ای یادگار حیدر کرار اکبرم	-	x	-
		پنهان بیا ز جمله اصحاب در برم	-	-	-

^۱ این منظور، ۱۹۵/۹.

^۲ دهخدا، ۱۹۷/۹؛ معین، ۱۱۰۰/۱؛ انوری، ۶۵/۱.

^۳ معین، ۱۱۰۰/۱؛ انوری، ۶۵/۱.

^۴ Chelkowski, 406.

^۵ قاسم دخت، تعزیه علی اکبر.

۱۸/ بررسی تطبیقی روایت شهادت علی اکبر در منابع تاریخی و متون تعزیه

			که تویی جسم و جان من		تعزیه تکبیه تجریش ^۱
x	-	-	آیا شنیده‌ای العطش کودکان من		
x	-	-	علی جان بردار مشک خالی و روکن سوی فرات		
x	-	-	آبی رسان تو برای کودکان ز بهر ثواب		
x	-	-	ای آب اصغرم غش کرده ای آب	علی اکبر در کنار آب	صالحی ^۲
x	-	-	به دامان رباب ای آب نرود تشنه به خواب		
x	-	-	غش نموده ز عطش بلبل بستان حسین		
x	-	-	فرات، ای فرات، سکینه کند غش		
x	-	-	فرات، ای فرات، کبوتر ز تو متصل می خورد		
x	-	-	برادرش بمیرد سکینه، چرا خون دل می خورد		
x	-	-	ای سیاهی تو که باشی که گرفتی سر راه به من	علی اکبر با عباس که سر راه او را گرفته است	
x	-	-	عجب این است در این تیرگی شب که نتابد مه و کوکب	می جنگد و می گوید	
x	-	-	به منی دوست تو یا دشمن		
x	-	-	ای مرد بیاور به لب اکنون تو صدا را		
x	-	-	حضرت عباس قربان تو ای زیبا جوان	عباس در جواب علی اکبر	
x	-	-	آدمم جانا سر رخت برای امتحان		
-	x	-	تا ببینم جرأت را ای شبیه مصطفی		
x	-	-	احسن الله، ارث بردی تو ز جدت مرتضی		
x	-	-	عمو جان کی بود گمانم که عموجان تو بگیری	علی اکبر در جواب عباس	تکبیه تجریش ^۳
x	-	-	سراهم		

^۱ . تکبیه تجریش، تعزیه علی اکبر، محرم ۱۴۳۰ / ۱۳۷۸ .

^۲ . صالحی راد، ۲ / ۴۲۰ .

^۳ . تکبیه تجریش، همان .

			عمو جان غلط کردم، بد کردم، تو ببخشای گناهم		
--	--	--	--	--	--

جدول - ۲

منبع تعزیه	فهرست افراد تعزیه	گزاره	انطباق کامل	انطباق نسبی	عدم انطباق
واقفی ^۱	علی اکبر	وقت آمده بابا که به دور تو بگردم وقت آمده بابا که دهی اذن نبردم وقت آمده بابا که بیوشی کفنم را درجمله گاه گورم، نمایی بدنم را	-	-	x
	امام حسین	وقت آمده بابا که سوزی جگرم را وقت آمده بابا که کنی خم کمرم را			
قاسم دخت ^۲	علی اکبر امام حسین	ای شاهها تو خلاص از غم و رنج و محنم کن با دست خود ای شاه بفرما تو کفنم کن ای تازه جوان، تو به حال من رحم کن رحمی به سکینه گل دور از چمنم کن	-	-	x
صالحی ^۳	علی اکبر به امام	پدر دمی به سوی خیمه حرم رفتم پی تسلی احباب محترم رفتم به خیمه رفتم و آتش به خرمنم افکند سکینه آمد و خود را به دامنم افکند سکینه آب طلب کرد و من کباب شدم ز شرم به روی سکینه آب شدم	-	-	x x x x x x
تکیه تجریش ^۴					

۱. واقفی، تعزیه حضرت علی اکبر، ۱۳۶۷.

۲. قاسم دخت، تعزیه حضرت علی اکبر.

۳. صالحی، همان، ۴۲۱.

۴. تکیه تجریش، تعزیه علی اکبر.

۲۰/ بررسی تطبیقی روایت شهادت علی اکبر در منابع تاریخی و متون تعزیه

×	-	-	ساعتی صبر کن ای راحت جان من زار	امام و علی اکبر باهم گفتگو می کنند	قاسم دخت ^۱
×	-	-	نیست دیگر به دلم جان پدر صبر و قرار		
×	-	-	نیست ای نور بصر وقت سفر کردن تو		
×	-	-	وقت بگذشته پدر دست من و دامن تو		
×	-	-	چه شتایی بدرت با تو وصیت دارد		
×	-	-	چه وصیت پسرست شوق شهادت دارد		
×	-	-	آرزو بود دلم را که تو داماد شوی		
×	-	-	لیک اکنون تو ز جان دادن من شاد شوی		
×	-	-	آنچه کردی از شهادت وصف ای جان پدر		
-	-	×	در خور آن خون بها لایق نباشد جان پسر		
-	-	×	انتظار آن شهادت می کشم من سالها زودتر از دیگران ای کاش من گردم فدا تا که من بعد از شهادت بشنوم از هر قبیل السلام ای گشته از آل خلیل اول قتیل		

^۱ . قاسم دخت، همان .

جدول - ۳

منبع تعزیه	فهرست افراد تعزیه	گزاره	انطباق کامل	انطباق نسبی	عدم انطباق
صالحی ^۱	امام	مادرت داشت امید این قد موزون ببندد	-	-	x
	علی اکبر	بدن بی سرم افتاده به هامون ببندد	-	-	
	امام	عمّه ات خواست لباس تو بپوشاند آه	-	-	
	علی اکبر	او بپوشد به تن خویش رخت سیاه	-	-	
	امام	فاطمه چشم به راه تو بود ای فرزند	-	-	x
	علی اکبر	چه کنم آه فلک ریشه عمرم بر کند	-	-	
	امام	دل ز تو کندن من مشکل است ای اکبر برو به خیمه نشین ساعتی بر مادر [*]	-	-	
	علی اکبر	بابا از این فیض منعم چه داری	-	-	x
		غم بر سر غم هر دم گذاری	-	-	x
		وقت جدال است ای باب نالان	-	-	x
		اذنم بده تا آیم به میدان	-	-	x
تکیه تجریش ^۲	امام	بیا بیا ببرم زینت بر دوشم علی	-	-	x
		به وقت رفتن میدان تو را کفن پوشم علی	-	-	x
قاسم دخت ^۳		علی من امید بود کلیپوشت کنم	-	-	x
		که گمان بود کفن پوشت کنم	-	-	x

۱. صالحی، ۴۲۳ و ۴۲۴.

۲. تکیه تجریش، تعزیه علی اکبر.

۳. قاسم دخت، تعزیه حضرت علی اکبر.

*چنان که در گزارش های مندرج در منابع تاریخی آمده، مادر علی اکبر (لیلا) در کربلا حضور نداشته است.

۲۲ / بررسی تطبیقی روایت شهادت علی اکبر در منابع تاریخی و متون تعزیه

-	x	-	ای سرو سہی بالایم، ای شبہ رسول اللہ بنشین کنارم علی جانم، علی، بعد پرپر شدنت ای گل زیبا چه کنم	امام	قاسم دخت ^۴
x	-	-	علی جان چه هست شوق شہادت بر سر تو را بابا		تکیہ تجریش ^۵
x	-	-	بگیر رخصت میدان ز مادرت لیلا		صالحی ^۶
x	-	-	مادر نگر بہ کرب و بلا شور و محشرست عالم بہ پیچ و تاب چو زلفین اکبر است زحمت بکش ز خیمہ بیرون آدمی بہین بابم غریب و بی کس و بی یار و یاور است من زندہ باشم و نگرم باب خود غریب مردن برای من بہ خدا بہتر است	علی اکبر بہ مادر می گوید	واقفی ^۷

جدول - ۴

منبع تعزیه	فہرست افراد تعزیه	گزارہ	انطباق کامل	انطباق نسبی	عدم انطباق
صالحی ^۱	ام لیلا	جانا دمی بہ حالت لیلا نظارہ کن بنشین کنار من غم و دردم شمارہ کن	-	-	x

^۴ . قاسم دخت، همان.

^۵ . تکیہ تجریش، تعزیه علی اکبر.

^۶ . صالحی، ۴۲۳ و ۴۲۴.

^۷ . واقفی، تعزیه حضرت علی اکبر.

^۱ . صالحی، ۴۲۳.

			پیری مرا رسیده اسیری ازو بتر این هر دو برکنار یکی را تو چاره کن جنباندم از برای تو گهواره روز و شب بی خواب شبان مرا یک نظاره کن		
			زحمت کشیدم هیجده سال شود زحمت من تمام پامال مادر سرگهواره شبها نخواستیدی تن تنها نمی گویم منال، بنال ولی آهسته آهسته	ام لیلیا علی اکبر	تکیه تجریش ^۲ قاسم دخت ^۳
x	-	-	الا ای سرو مه سیما جوان نوحه لیلیا نمی گویم مرو اما برو آهسته آهسته مدینه با دو صدشادی بریدی رخت دامادی کفن شد خلعت شادی برو آهسته آهسته رضا گشتم که در میدان روی مادر، علی اکبر تأمل کن، سکینه سیر بیند این رخ انور	ام لیلیا	واقفی ^۴
x	-	-	مسلمانان دلم یاد وطن کرد نمی دانم وطن کی یاد ما کرد به قربانت شوم ای جان جانان بیاور در برم کاغذ قلمدان عمه این نامه به بطحا می نویسم غم هجر به صغری می نویسم	علی اکبر به هنگام آماده شدن برای رفتن به میدان	قاسم دخت ^۵

^۲ . تکیه تجریش، تعزیه علی اکبر.

^۳ . قاسم دخت، تعزیه حضرت علی اکبر.

^۴ . واقفی، تعزیه حضرت علی اکبر.

^۵ . قاسم دخت، همان.

۲۴ / بررسی تطبیقی روایت شهادت علی اکبر در منابع تاریخی و متون تعزیه

×	-	-	غریبی‌های بابایم حسین را		
×	-	-	در اینجا من یکایک می‌نویسم		
×	-	-	به قربانت شوم ای عمه زار		
×	-	-	بیاور در برم اینک کیوتر		

جدول - ۵

منبع تعزیه	فهرست افراد تعزیه	گزاره	انطباق کامل	انطباق نسبی	عدم انطباق
قاسم دخت ^۱	علی اکبر	کیوتر من پر وبال تو نازم کیوتر بین به آه جان گدازم کیوتر یک نظر بنما به سویم بپر از کوچه دختر عمویم محل هاشمی را کن تو پیدا برو بنشین به بام خانه ما	-	-	×
قربان نژاد ^۲	علی اکبر به هنگام رفتن به میدان	لازم آمد هر دو چشم تر کنم من وداعی با علی اصغر کنم برادر جان علی اصغرم دسته‌های کوچکت کن گردنم زیر گلویت ببوسم زانکه می‌گردد هدف تیر بلا	-	-	×
صالحی ^۳	امام	زبان حال کنون ای شبیه پیغمبر کفن بیوش به تن نوجوان علی اکبر	-	×	-

^۱ . قاسم دخت، تعزیه حضرت علی اکبر.

^۲ . قربان نژاد، تعزیه علی اکبر.

^۳ . صالحی، ۴۲۸.

×	-	-	ای مبارک کفن ای همچو پر جبرائیل	علی اکبر در حال کفن پوشیدن	
×	-	-	ای که هستی به من تازه جوان عزرائیل		
×	-	-	ای کفن مادر من از تو شکایت دارد		
×	-	-	از دل سوخته فریاد نهایت دارد		
×	-	-	ای کفن نامزد من مانده وطن سرگردان		
×	-	-	تو بیا رحم نما بر وطنم برگردان		
×	-	-	علی اکبر از دل برآور خروش		
×	-	-	کفن از وفا بر تن خود بیوش		
×	-	-	به دل داشتم آرزو ای خدا		
×	-	-	شب عیش بندم به دستم حنا		
×	-	-	حنایم ز خون گلویم شده		
×	-	-	مهیا اجل روبه رویم شده		
×	-	-	دریغا که صغری ندارد خبر		
×	-	-	کفن پوش گشتم روم در سفر		

جدول - ۶

منبع تعزیه	فهرست افراد تعزیه	گزاره	انطباق کامل	انطباق نسبی	عدم انطباق
صالحی ^۱	سکینه	چرا فکندی کفن به گردن	-	-	×
		فکن کفن را به گردن من	-	-	×
	علی اکبر	روم که آب آورم برایت	-	-	×
	سکینه	سربرهنه دوم در قفایت	-	-	×

۱. صالحی، ۴۲۸ و ۴۲۹.

۲۶/ بررسی تطبیقی روایت شهادت علی اکبر در منابع تاریخی و متون تعزیه

x	-	-	تو خواستی آب، مسوز جانم	علی اکبر	
x	-	-	بیا به خنجر ببر زبانم	سکینه	
x	-	-	دیگر به قیامت است دیدار	علی اکبر به میدان می رود	
x	-	-	یک یک همه را خدا نگهدار		
x	-	-	از خیمه‌گه بیرون بیا با چشم تر لیلا		
x	-	-	ای در به در لیلا		
x	-	-	آرام جانت می رود اکنون سفر لیلا ای خون جگر لیلا		
x	-	-	شیری که دادی از وفا مادر حلالم کن	علی اکبر به مادر	قاسم دخت ^۲
x	-	-	ترک وصالم کن، مرده خیالم کن		
x	-	-	دیگر نمی بینی مرا		صالحی ^۳
x	-	-	جوانان جوانان به فصل بهار		
x	-	-	شما را افتد به قبرم گذار		
x	-	-	بکارید بر قبرم ای دوستان		
x	-	-	گل لاله و سنبل و ارغوان		
x	-	-	به ابن سعد بگویند ای ز سگ کمتر	علی اکبر به ابن سعد می گویند	
x	-	-	طلب نموده تو را نوجوان علی اکبر		
x	x	-	ای پری زاده ندانم ز کجا می آیی	شمر به علی اکبر گویند	قربان نژاد ^۴
x	x	-	آدمی زاده نباشد به چنین زیبایی		
x	x	-	پرده از روی بگیری و به میدان آیی		
x	x	-	همه گویند محمد سوی میدان آمد		

^۲ . قاسم دخت، تعزیه حضرت علی اکبر.

^۳ . صالحی، ۴۲۸ و ۴۲۹.

^۴ . قربان نژاد، تعزیه حضرت علی اکبر.

×	-	-	شبه پیغمبر و خورشید جهان آرای	علی اکبر	
×	-	-	همه گویند علی اکبر نورسته تویی		
×	-	-	صحنه کرب و بلا را تو چراغان کردی		
×	×	-	چه شود نام شریفیت تو بیان فرمایی		
×	×	-	ای گروه ظالمان من نور چشم حیدرم		
×	×	-	شبه خیرالمرسلینم، یادگار حیدرم		
-	×	-	پدر سنگینی آهن مرا خواهد نمود آزار	علی اکبر	قاسم دخت ^۵
-	×	-	ز تاب تشنگی در جنگ (دستم) اوفتاد از کار		

جدول - ۷

عدم انطباق	انطباق نسبی	انطباق کامل	گزاره	فهرست افراد تعزیه	منبع تعزیه
-	×	-	اگر گردد میسر قطره آبی برای من	علی اکبر	واقفی ^۱
-	×	-	به یک حمله برون آرم دمار از لشکر دشمن	امام	
-	×	-	زیانت را برون آور گذار اندر دهان من		تکیه تجریش ^۲
-	×	-	برو در جنگ که این دم می رسند از پی تو را بابا		
			فلک خراب شوی با منت چه در نظر است		
×	-	-	لب پدر از لب من هنوز خشک تر است	علی اکبر	
×	-	-	بیا تا در دهنت خاتم رسول نبی گذارم		
×	×	-	ای چمن آرای عرصه امید	امام	

^۵ . قاسم دخت، تعزیه حضرت علی اکبر.

^۱ . واقفی، تعزیه حضرت علی اکبر.

^۲ . تکیه تجریش، تعزیه علی اکبر.

۲۸ / بررسی تطبیقی روایت شهادت علی اکبر در منابع تاریخی و متون تعزیه

×	×	-	سیراب گشتم ای پدر مهربان من	علی اکبر	قربان نژاد ^۳
-	×	-	گویی که چشمه آبی شدی در دهان من	منفذ	
-	×	-	دوباره روم از پی کارزار		
-	×	-	که از جان اعدا بر آرم دمار		
-	×	-	می روم در میان نخلستان		
-	-	×	در پس نخل می شوم پنهان		
-	-	×	می روم تا ز تیغ پر جوهر		
-	-	×	بشکافم سر علی اکبر		
-	-	×			
×	-	×	ز تیغ کج منقذ نابکار		علی اکبر
×	-	×	فتادم ز طاقت به حال زار		
×	-	-	کنم دست بر گردنت ای عقاب		
×	-	-	مرا برخیمه بر تو با صد شتاب		
×	-	-	عقابا مرا بر سوی مادرم		
×	-	-	که مرهم گذارد به زخم سرم		
×	-	-	عقاب ای عقاب فرشته، برم		
×	-	-	رسان تو مرا حال بر خواهرم		
×	-	-	دگر نیست طاقت سواری کنم		
×	-	-	فتم روی خاک آه و زاری کنم		

^۳ . قربان نژاد، تعزیه علی اکبر.

^۴ . واقفی، همان.

جدول - ۸

منبع تعزیه	فهرست افراد تعزیه	گزاره	انطباق کامل	انطباق نسبی	عدم انطباق
واقفی ^۱	علی اکبر	ده رکابت به من ای اسب عقاب از یاری	-	-	×
		جسم مجروح مرا روی زمین نگذاری	-	-	×
		مرحبا مرکب فرخنده و آغشته به خون	-	-	×
		تو به یک گام زدن می برم از رزم برون	-	-	×
		سرم از ضربت شمشیر دو تا گردیده	-	-	×
		یا ابتاه از وفا، آه بیا بر سرم	-	-	×
		تا که بُنُرد پدر دردم مردن برم	-	-	×
		نعش مرا خیمه بر در بر آن مادرم	-	-	×
		پدر بیا که ز تیغ جفا در افتادم	-	-	×
		در این میدان برس به فریادم	-	-	×
تکیه تجریش ^۲ قاسم دخت ^۳	امام	اندر کجایی ای مه نورسته اکبرم	-	-	×
		ندیده کام در ایام نوجوانی پسرم	-	-	×
		علی، علی الدنیا بعدک العفا	-	×	-
		لیلا حنا بیار شب عیش اکبرست	-	-	×
		گیسو خود ببر بر سر نعش اکبرم	-	-	×
قربان نژاد ^۴	لیلا	اذنی بده که پیرهنش در آورم	-	-	×
		خواهم فرستمش به مدینه یادگار	-	-	×

۱. واقفی، تعزیه حضرت علی اکبر.

۲. تکیه تجریش، تعزیه علی اکبر.

۳. قاسم دخت، تعزیه حضرت علی اکبر.

۴. قربان نژاد، تعزیه علی اکبر.

-	-	x	جوانان بنی هاشم بیابد	امام	
-	-	x	علی را بر در خیمه رسانید.		

بررسی و تحلیل

با استناد به گزارش منابع تاریخی و مقایسه آن با تعزیه های فوق می توان گفت، گرچه برخی گزاره های منعکس در تعزیه علی اکبر با گزارش های تاریخی هم پوشانی دارد، ولی این هم پوشانی بسیار اندک است و بقیه گزاره ها نیز تحت تأثیر رویکرد عاطفی و اسطوره ای گزارش شده اند. بر اساس گزارش های تاریخی احتمالاً علی اکبر در عاشورای سال ۶۱ هجری ۲۵ تا ۲۷ سال داشته و در روز عاشورا، نخستین فرد از بنی هاشم بوده که با رجزخوانی به میدان جنگ رفته است. او پس از چندین بار حمله به دشمن هدف حمله ناگهانی مرّ بن منقذ عیدی قرار گرفته است و بر اثر ضرب شمشیر مرّ، از اسبش به روی زمین افتاده و لشکر دشمن دورش را گرفته و بدنش را قطعه قطعه کرده اند. در این زمان حضرت زینب (س) شتابان و فریادزنان از خیمه بیرون آمد؛ ولی امام حسین (ع) او را به خیمه بازگرداند و به جوانان بنی هاشم فرمود، بدن علی اکبر را به مقابل خیمه ها ببرند.

در تعزیه نیز، شبیه علی اکبر با مشاهده شرایط سخت و ناگوار و بی کسی و بی یابوری پدرش به میدان جنگ می رود و به عنوان نخستین شهید بنی هاشم غافلگیرانه توسط منقذ بن مرّ به شهادت می رسد. نخستین نکته در اینجا این است که در گزارش های تاریخی نام قاتل علی اکبر، مرّ بن منقذ ضبط شده، اما معلوم نیست به چه سبب در متن تعزیه این نام به منقذ بن مرّ تغییر یافته است. حسین بن علی (ع) پس از شهادت علی اکبر، به جوانان بنی هاشم می گوید جنازه او را به در خیمه ببرند.

در تعزیه، شبیه علی اکبر پس از مدتی جنگیدن به دلیل سنگینی سلاح و تشنگی نزد پدر باز می گردد و تقاضای آب می کند، پدر نیز زبان در دهان علی اکبر می گذارد و سپس خاتم نبی را در دهان او می نهد و سپس روانه میدان می شود. این بخش از تعزیه هر چند با مطالب کتب تاریخی از جمله فتوح ابن اعمش^۱ مطابقت دارد، ولی در منابع متقدم و معتبر نیامده است. همان

^۱ ابن اعمش کوفی، ۹۰۷.

طور که قبلاً هم گفته شد، یکی از ویژگی‌های کتاب مذکور، این است که مولف، واقعه کربلا را بیشتر با رویکرد عاطفی نگاشته است (جدول ۶ گزاره ۵، جدول ۷ گزاره ۱). آن طور که منابع نقل کرده‌اند، وقتی علی‌اکبر خواست به میدان برود، حسین بن علی (ع) بدون درنگ به وی اذن نبرد داد، اما در تعزیه، ضد این حقیقت به گونه‌ای تصویر شده و شبیه‌خوانان با خواندن مضامین عاطفی به عنوان زبان حال امام و فرزندش این‌گونه به حاضران تفهیم می‌کنند که امام به سختی اجازه می‌دهد^۱ (جدول ۲ گزاره ۱، جدول ۳ گزاره ۱، ۲ و ۳).

برخلاف گزارش منابع، در تعزیه تأکید بر این است که علی‌اکبر، نوجوان ۱۸ ساله با دختر عمویش نامزد بوده و می‌خواسته داماد شود؛ ولی به مقصودش نرسیده و به همین دلیل، مغموم است. پدر نیز از این بابت ناراحت به نظر می‌رسد. این‌گونه اصرارها در کم نشان دادن سن علی‌اکبر برای ایجاد هیجان و افزایش سوگ و ماتم و افزودن تأثر مردم است؛ زیرا مردم برای یک نوجوان هجده ساله که داماد هم نشده و به طرز فجیعی کشته می‌شود، بیشتر گریه می‌کنند تا مردی که ازدواج کرده و فرزندی هم دارد. به همین دلیل تعزیه‌خوانان برای اینکه تأثر حاضران در مجلس را برانگیزند و مردم را وادار به گریه کنند بر ماجرای ناکامی و داماد نشدن علی‌اکبر تأکید کرده‌اند^۲ (جدول ۲ گزاره ۴، جدول ۳ گزاره ۳، جدول ۴، گزاره ۱).

شهید مطهری از چنین مضامین توأم با وهن به ساحت اهل بیت انتقاد کرده و بیان می‌دارد: «... حرف‌هایی را که گاهی وقت‌ها از یک افراد در سطح پایین می‌شنویم که مثلاً می‌گویند من آرزو دارم عروسی پسرم را ببینم به فردی چون حسین بن علی (ع) نسبت می‌دهند، آن هم در گرماگرم زد و خورد که مجال نماز خواندن نیست!»^۳.

بخش مهمی از مجلس تعزیه حضرت علی‌اکبر به برخوردهای بسیار احساساتی بین علی‌اکبر و مادرش لیلا/ام‌لیلا و نیز گفتگوی این زن با حسین بن علی (ع) و حضرت زینب (س) اختصاص یافته است. بطوری که شبیه ام‌لیلا بر سر راه شبیه علی‌اکبر قرار می‌گیرد و از جوانی، ناکام ماندن و داماد نشدن علی‌اکبر و اموری از این دست شکایت می‌کند و نوحه سر می‌دهد (جدول ۳ گزاره ۴، جدول ۴ گزاره ۱ و ۲ و ۳)، همین‌طور در گفتگوی با پیکر علی‌اکبر (جدول ۸ گزاره ۳).

^۱ . گلی زواره، «حضرت علی‌اکبر»، ۳۸۱ و ۳۸۲.

^۲ . همان، ۳۷۲ و ۳۷۳.

^۳ . مطهری، ۲۷/۱ و ۲۸.

از مراجعه به کتب تاریخی معتبر و آثار نویسندگان معاصر، چنین برمی آید که لیلا در کربلا حضور نداشته است.^۱ مطهری نیز مسأله حضور لیلا در کربلا و افسانه‌ها و قصه‌های مرتبط را یکی از موارد تحریف در تاریخ کربلا دانسته و آن را با استدلال رد کرده است.^۲ طبری، شیخ مفید و طبرسی، نام این بانو را همان لیلا ذکر کرده‌اند از این رو اطلاق نام ام‌لیلا بر آن بانو صحیح نیست.

روشن است که طرح مسائل جنبی مانند گفتگوی علی‌اکبر با مادرش، کفن پوشیدن، نوشتن نامه به فاطمه صغری و ارسال آن توسط کبوتر و غیره، به دلایلی چون برانگیختن احساسات در تعزیه علی‌اکبر به کار گرفته شده است و هیچ یک از منابع تاریخی آنها را تأیید نمی‌کند. اگرچه طرح چنین موضوعاتی، دور از واقعیت تاریخی است؛ اما چنین باب شده که صرفاً برای برانگیختن احساسات تماشاگر، سراینده متوسل به موضوعاتی می‌شود که قابل فهم برای هر بیننده‌ای باشد و همه با آن ارتباط برقرار کنند و احساسات‌شان برانگیخته شود.^۳ با توجه به آشنایی ذهنی مخاطبان با فرهنگ و اساطیر ایرانی در بسیاری از قطعات تعزیه از این آشنایی برای فضایی حماسی و گاه رسیدن به زبانی خاص استفاده می‌شود؛ مثلاً در تعزیه عباس، مجلسی به نام "راه گیری علی‌اکبر" است. در این صحنه حضرت عباس شجاعت برادر زاده اش علی اکبر را می‌آزماید، مانند امتحانی که در شاهنامه از پهلوان جوان به عمل می‌آید^۴ (جدول ۱، گزاره ۲).

در تنظیم اشعار و مکالمه‌های تعزیه باورهای عامیانه، آداب و رسوم طوایف و عشایر و به خصوص سنت‌های قبل از اسلام پررنگ‌تر است. این سنن، متناسب با وقایع و گفتگوهای هر صحنه به کار گرفته می‌شود و در موارد متعددی به شکلی گسترده فرهنگ عامیانه ایرانی بر فضای تعزیه حاکم است. در حقیقت نقال تعزیه برای جلب نظر تماشاگران و برانگیختن عواطف آنان اغلب آه و ناله و اشارات را با آداب عامیانه درهم آمیخته است.^۵

۱. نوری، ۹۰.

۲. مطهری، ۲۷/۱.

۳. ساختمانیان، ۱۵۶.

۴. تنکابنی، ۳۱.

۵. گلی زواره، «حضرت علی اکبر»، ۱۷۱.

نتیجه

نظر به اینکه تعزیه، کارکردی عاطفی و انگیزشی دارد، این ویژگی باعث شده است که در تصویرسازی از واقعه شهادت علی اکبر نیز جنبه عاطفی این واقعه بیشتر برجسته شود. تا جایی که روایت شهادت وی از اصالت تاریخی فاصله گرفته و به یک نقل غمناک عوام‌پسند تبدیل شده است. آنچه بیش از همه از زبان تعزیه‌خوان‌ها شنیده می‌شود و بسامد بالایی در متون تعزیه دارد، واژه‌هایی چون غریب، مظلوم، تشنه، بی‌کس، داماد و مانند این‌ها است. البته در این جا قصد تخطئه در میان نیست، زیرا این‌ها خود بعدی از ابعاد عاشورا است، بلکه منظور، نمایاندن غلبه این نوع نگرش بر ذهنیت توده مردم است که کمتر از این سطح گذر می‌کنند. اهتمام به رویارویی عقلانی و نقادانه با محتوای روایت ارائه شده به افکار عمومی در خصوص شهادت حضرت علی اکبر و سایر بخش‌های واقعه کربلا و در کنار آن، التزام به نقل متون منقح تاریخی انتظار گزاف و غیر قابل دسترس نیست.

کتاب شناسی

- ابن ادريس حلي، ابو جعفر محمد، *السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى*، قم، موسسه انتشارات اسلامي، بي تا.
- ابن اعثم كوفي، *الفتوح*، ترجمه محمد بن احمد مستوفي هروي، تصحيح غلامرضا طباطبائي مجد، تهران، انتشارات و آموزش و انقلاب اسلامي، ۱۳۷۲ ش.
- -----، ابو محمد احمد، *الفتوح*، تحقيق علي شيري، بيروت، دارالاضواء، ۱۴۱۱ ق.
- ابن زبير كوفي اسدي، فضيل، «تسمية من قتل مع الحسين (ع) من ولده و إخوته و اهل بيته و شيعته»، تحقيق سيد محمد رضا حسيني، *مجلة تراننا*، سال اول، شماره ۲، ۱۴۰۶ ق.
- ابن سعد، محمد، *الطبقات الكبرى*، بيروت، دار بيروت، ۱۴۰۵ ق.
- ابن شهر آشوب، ابو جعفر رشيد الدين محمد بن علي، *مناقب آل ابي طالب*، قم، موسسه انتشارات علامه، بي تا.
- ابن فندق بيهقي، علي، *لباب الانساب و الاعقاب*، قم، مكتبة آيت الله العظمي المرعشي النجفي، ۱۴۱۰ ق.
- ابن قولويه، ابوالقاسم جعفر بن محمد، *كامل الزيارات*، قم، ۱۴۲۴ ق.
- ابن منظور، *لسان العرب*، بيروت، مكتب تحقيق التراث، ۱۴۰۸ ق.
- ابن نما حنبلي، جعفر بن محمد، *مثير الاحزان*، قم، موسسه الامام المهدي، ۱۴۰۶ ق.
- ابوالفرج اصفهاني، *مقاتل الطالبين*، بيروت، موسسه الاعلمي للمطبوعات، ۱۴۱۹ ق.
- ابومخنف الازدي الكوفي، لوط بن يحيى بن سعيد، *وقعة الطف*، تحقيق سيد محمد هادي اليوسفي الغروي، قم، موسسه النشر الاسلامي، ۱۴۱۷ ق.

- ، نصوص من تاریخ ابی مخنف، بیروت، دارالمحجة البيضاء، ۱۴۱۹ق.
- اربلی، علی بن حسین، کشف الغمة فی معرفة الائمة، قم، الشریف الرضی، ۱۴۲۱ق.
- امین، سید محسن، اعیان الشیعة، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۸ق.
- ، لواعج الاشجان، قم، کتابفروشی بصیرتی، بی تا.
- انوری، حسن، فرهنگ فشرده سخن، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۲ش.
- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق محمود فردوس العظم، دمشق، دار البقطة العربية، بی تا.
- ، کتاب جمل انساب الاشراف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
- تنکابنی، فرزانه، بررسی و شناخت تعزیه به عنوان وسیله ارتباطی سنتی در جامعه ایران، مدرسه عالی تلویزیون و سینما، ۱۳۵۹ق.
- تستری، شیخ محمدتقی، قاموس الرجال، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴.
- تکیه تجریش، تعزیه علی اکبر، محرم ۱۴۳۰ / ۱۳۷۸. (نسخه اسکن شده متن تعزیه در اختیار مولف است).
- خوارزمی، ابوالموید الموفق بن احمد، مقتل الحسین، قم، نورالهدی، ۱۴۲۳ق.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، بی تا، ۱۳۲۵ش.
- دینوری، ابوحنفیه احمد بن داود، اخبار الطوال، قم، داراحیاء الکتب العربیة، ۱۴۰۹ق.
- رحمدل، غلامرضا، تذکره شهدای کربلا (شهدای بنی هاشم)، گیلان، دانشگاه گیلان، ۱۳۸۰ش.
- زیبری، مصعب، کتاب نسب قریش، بی جا، دارالمعارف للطباعة والنشر، بی تا.
- ساختمانیان، حسین، تطبیق تاریخ و تعزیه، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ش.
- شریف کاشانی، حبیب الله، تذکره الشهداء، قم، شمس الضحی، ۱۳۸۴ش.
- شهید اول، محمد بن جمال الدین مکی العاملی، اللمعة الدمشقیة، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۹ق.
- صالحی راد، حسن، مجالس تعزیه، تهران، سروش، ۱۳۸۰ش.
- صحتی سردودی، محمد، تحریف شناسی عاشورا و تاریخ امام حسین (ع)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳ش.
- طبرانی، ابوالقاسم، مقتل الحسین بن علی بن ابیطالب، کویت، دارالاوراد، ۱۴۱۲ق.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ق.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الطبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، بی تا.
- عمری النسابة، ابوالحسن علی بن محمد العلوی، المجدی فی انساب الطالبیین، قم کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۹.

- قاسم‌دخت، نسخه تعزیه علی اکبر. (نسخه اسکن شده متن تعزیه در اختیار مولف است).
- قاضی نعمان مغربی، ابوحنیفة، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاخیار، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
- قاضی طباطبایی، سید محمدعلی، تحقیق درباره اولین اربعین حضرت سیدالشهدا، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳ش.
- قربان‌زاد مظفر، نسخه تعزیه علی اکبر. (نسخه اسکن شده متن تعزیه در اختیار مولف است).
- قمی، شیخ عباس، در کر بلا چه گذشت، محمد باقر کمرهای، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ ش.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، بی تا.
- گلی زواره، غلامرضا، «حضرت علی اکبر در آینه مضامین شبیه‌خوانی (تعزیه)»، مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، دفتر اول، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶ش.
- -----، حضرت علی اکبر شبیه پیامبر، شهید ولایت، قم، قیام، ۱۳۷۴ش.
- مامقانی نجفی، شیخ عبدالمحمد حسن بن مولی عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۲۷ق.
- محلاتی، ذبیح الله، فرسان الهیجاء، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۹۰ش.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، قم، دارالهجرة، ۱۴۰۹ق.
- مطهری، مرتضی حماسه حسینی، تهران، صدرا، ۱۳۶۶ش.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران امیرکبیر ۱۳۷۱ش.
- موسوی مقرر، سیدعبدالرزاق، مقتل مقرر، عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم، نوید اسلام، ۱۳۸۶ش.
- -----، مقتل مقرر (زندگانی حضرت علی اکبر)، پرویز لولار، تهران، آرام دل، ۱۳۸۷ش.
- موسوی زنجانی، سید ابراهیم، وسیله الدارین فی انصارالحسین، بیروت، منشورات موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- موسوی گرمارودی و دیگران، سیدعلی، فرهنگ عاشورا، تهران، آگه، ۱۳۸۴ش.
- ناصربخت، محمد حسین، «تأثیر ادبیات مکتوب ایرانی بر تعزیه»، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۵ش.
- نوری، میرزا حسین، لؤلؤ و مرجان، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۸ش.
- واقفی، نسخه تعزیه حضرت علی اکبر، ۱۳۶۷ش. (نسخه اسکن شده متن تعزیه در اختیار مولف است).
- الهارونی الحسنی، یحیی بن الحسین، الافادة فی تاریخ الائمة السادة، صعده، مرکز اهل البيت للدراسات الاسلامیة، ۱۴۲۲ق.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۳ق.
- P. Chelkowski, "Ta'ziya", *The Encyclopedia of Islam*, 2^{ed} edition, Vol. X, pp. 4070408.